

آینه

انتخاب

علیه‌احمدی‌نژاد رأی صادر شده‌اما اجرا نمی‌شود

● **محمود صادقی**: در مورد رئیس‌جمهور سابق آقای محمود احمدی‌نژاد سه پرونده در دیوان محاسبات تشکیل شده و رأی هم صادر شده است اما اجرا نمی‌شود... ما دیوان محاسبات را داریم که خوشبختانه بدنه دیوان محاسبات یعنی مستشاران و دادستان فعلی به وظایف خودشان در حد زیادی عمل کرده‌اند اما در قسمت بعدی که دادخواست و رأی صادر می‌شود و باید به مرحله اجرا برسد درواقع این موضوع با مشکل مواجه می‌شود.

جمهوری اسلامی

اجازه ندهید سلامت نظام زیر سؤال برود

دولت یازدهم نیز تصور کرده و می‌بایست از همان روزهای ابتدای کارش بدون رودربایستی از یک طرف به برکناری عناصر فاسد و متخلفی که زمینه‌ساز اختلاس‌های سه هزار میلیارد و به چپاول و غارت بیت‌المال به صورت قانونی و غیرقانونی سرگرم بودند، شدت و از طرف دیگر، بر دریافت‌های بنگاه‌های مهم اقتصادی نظارت می‌کرد و مانع روی‌کارآمدن مدیرانی که به قانونمندعمل‌کردن مقید نبودن، می‌شد. اکنون که دولت وارد عرصه مقابله با دریافت‌های غیرمتعارف شده، باید ضمن استمرار قاطعانه این حرکت، زمینه را برای سپردن مدیریت‌ها به افراد پاینده به ضوابط فراهم سازد. نکته مهم دیگری که باید موردتوجه قرار بگیرد نکته‌ای است که رهبر انقلاب در دیدار هیأت دولت در زمینه حقوق‌های نامتعارف مورد تأکید قرار دادند. ایشان ضمن توصیه به برخورد قاطعانه با متخلفان، این واقعیت را نیز گوشزد کردند که خوشبختانه تعداد این افراد کم است و اکثر مدیران، سالم و پاک‌دست هستند. توجه‌داشتن به این نکته موجب جلوگیری از فضاسازی‌ها علیه نظام می‌شود. عده‌ای فراتر از عملکرد این دولت و آن دولت درصدد هستند به هر بهانه‌ای اصل نظام را زیر سؤال ببرند.

کیم

آوازخوش چرندگان!

محمد صرffi: آری! عبارات تکان‌دهنده است. اگر حقوق‌های چندده و چندصد میلیونی مصداق چریدن و غلظیدن نیست، پس چیست؟! عده‌ای می‌گویند که ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی را یک برنامه از پیش طراحی‌شده برای مقابله با دولت یازدهم جلوه دهند و در این مسیر از بافتن هیچ آسمان و ریسمانی نیز کوتاهی نمی‌کنند. عبارتی که حدود دو هفته پیش رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای هیأت دولت، درباره حقوق‌های نجومی استفاده کردند، کوتاترین و درعین‌حال دقیق‌ترین توصیف از این زخم چرکین است: «هجوم به ارزش‌ها». تقلیل این موضوع مهم و حتی حیاتی به رقابت و جدال سیاسی چپ و راست و اصلاح‌طلب و اصولگر، جفا در حق انقلاب و مردم است. عده‌ای می‌گویند باید قضیه را خاتمه داد، چراکه به اصل نظام که در این کشور می‌زند.
بله شاید گمان شود می‌توان با چند استعفا ی اجباری، مسئله را در سطح رسانه‌ای و سیاسی خاتمه داد اما با جامعه و مردمی که کور نیستند چه می‌توان کرد؟ به آنها هم باید گفت چشم‌های خود را ببندید و نبینید؟! عده‌ای نیز مدعی هستند فساد ساختاری و فراگیر شده و همه مدیران متخلف‌های کلان می‌گردند و بهتر است بگردیم! تأثیر منفی این سخن بر جامعه بیش از پیش از آلودگی‌های اقتصادی است. این نگاه مدعی است فساد چنان گسترده و فراگیر است که نظام نیز تسلیم آن شده و اراده‌ای برای مقابله با آن ندارد که خود جفایی بزرگ‌تر در حق نظام است.
معمود مدیران اشرافی ترویج‌دهنده این نوع نگاه هستند تا راه مقابله با خود را دشوار و پرهزینه معرفی کنند. به مردم می‌گویند همه مدیران مانند ما می‌چرند و به مدیران سالم می‌گویند اگر دست به ترکیب ما بزنید، مملکت کرفیکون خواهد شد! دشمنان این نظام برای ناامیدکردن مردم و سلب اعتمادشان از نظام اسلامی، ابزاری بهتر از آواز خوش این چرندگان نخواهند یافت.

ایران

دفن پرونده دکل‌های کمشده: زیرچنگال فیش‌ها

پرونده‌های قدیمی زیر گردوخاک موضوعات جدید، غبار گرفته‌اند. همین تابستان گذشته خیلی‌ها دنبال پیداکردن دکل‌های نفتی کمشده بودند. دکل‌هایی که پیدانشده، گویی فراموش شدند. پرونده تحقیق و تفحص در بهارستان بسته شد و نام متهمان از سرخط خبرها کنار رفت.
انکار نه انکار که حدود ۹ ماه پیش، یکی‌یکی به تعداد دکل‌های کمشده افزوده می‌شد. دکل‌هایی چنددهمیلیون‌دلاری که قرار بود برای کشور نفت استخراج کنند. اما هیچ‌گاه رنگ آب‌های خلیج فارس را هم ندیدند. حالا موضوع داغ روز چیز دیگری است: حقوق‌های کلان. رقم‌ها اینجا هم روی چندده میلیون است. فرقی‌اش اما جای دیگری است: قبلاً رقم‌ها به میلیون و میلیارد دلار بود و حالا «تومان» ابزار سنجش شده است. شاید برای یک شهروند ساده این تفاوت خیلی فرقی نکند. اما آنها که در فضای «قدرت» و «سیاست» هستند، فرقی آن را خوب می‌دانند. آیا قرار است پرونده‌های چندده و چندصد میلیون دلاری دوره‌های قبلی زیر سایه حقوق چندده میلیون تومانی قرار بگیرد؟ سکوت دیروز و سروصدای امروز مخالفان دولت هیچ گمانه‌ای جز این باقی نمی‌گذارد.

۱۵تیرماه، درست ۱۸ سال از توقیف روزنامه سلام می‌گذرد:روزنامه‌ای که به علت انتشار نامه‌ای مجرمانه منتسب به سعید امامی از سوی دادگاه به‌مدت پنج‌سال توقیف شد اما برای همیشه به محاق رفت. آدم‌هایی همسو با پیشینه سیاسی و اجرائی، عمدتاً از مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری روزنامه‌ای متفاوت و منتقد را به مدت ۹ سال منتشر کردند که خروجی‌اش، پرورش روزنامه‌نگارانی متفاوت و حرفه‌ای در فضای رسانه‌ای آن روزگار شد. سعید حجاریان، از گردانندگان، گفته است: «روز‌ها در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری بودم و عصرها می‌رفتم سلام». او درباره نگاه هاشمی به رابطه مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری و سلام هم گفته است: «هاشمی‌رفسنجانی یک گیر داشت و می‌گفت که انکار اینجا تحریریه روزنامه سلام است و پشتوانه فکری روزنامه سلام درست کرده‌اید. آقای خوینی‌ها هم که چهارسال بیشتر آنجا نبود. دغدغه آقای هاشمی ساخت سد و اقتصاد بود... ما معتقد بودیم که آقای هاشمی هر نظری را می‌خواهد داشته باشد اما ما کار خودمان را بکنیم و ایشان هم بالاخره خواهد فهمید که پروژه‌اش به بن‌بست می‌رسد و توسعه اقتصادی عوارضی دارد که ناچار، پیش‌نیاز رفع آن توسعه سیاسی خواهد بود». اکبر اعلمی، دبیر سرویس گزارش سلام، معتقد است که «حجاریان عضو هیأت سه‌نفره گزینش بوده که در تأیید یا رد داوطلبان همکاری با «سلام» گاهی روی اسم افراد حساسیت نشان می‌داد». بعد از توقیف، سیاسیون عمدتاً به کار پیشین خود بازگشتند و روزنامه‌نگارانش جذب روزنامه‌های دوران اصلاحات شدند. روزنامه سلام در خیابان فلسطین‌جنوبی، نبش دومین کوچه از سمت چپ در یکی از طبقات یک ساختمان شش طبقه واقع شده بود. در اصلی رو به خیابان باز می‌شد و در دیگر داخل کوچه. روزنامه «سلام» از روز نخست انتشار تا سال ۷۵ در این ساختمان منتشر می‌شد و بعد به انتهای خیابان کوچ کرد.

بعد از ردصلاحیت‌های افراد منتسب به جناح چپ در انتخابات مجلس چهارم، مجمع روحانیون در اعتراض به ردصلاحیت‌ها اطلاعیه‌ای صادر کرد که امکان بازتاب در هیچ رسانه‌ای نیافت. این برای نخستین‌بار بود که آنها با پایکوت خبری گسترده مواجه شده بودند. به‌این‌ترتیب مجمع روحانیون تصمیم به راه‌اندازی یک روزنامه گرفت که نظرات آن جناح را بازتاب دهد. جلساتی تشکیل شد و از موسوی‌خوینی‌ها تقاضا شد که این مسئولیت را قبول کنند. او در ابتدا به دلیل آنکه سختی‌های این کار را درک می‌کرد مردم بود اما در نهایت پذیرفت. گفته می‌شود که مرحوم سیداحمد خمینی هم در این انتخابات اولیه اولیه تشکیل سلام بود و حتی نام روزنامه به پیشنهاد او انتخاب شد. نگاه و هدف اصلی روزنامه، سیاسی بود و به‌همین‌خاطر بیشتر انتصابات اولیه هم با اولویت سیاست‌گفته است: بود. دبیران سرویس هر یک چهره سیاسی بودند. سلام بیش از یک روزنامه بود. افراد اصلی جناح چپ در همه سطوح با آن ارتباط و رفت‌وآمد داشتند. تقریباً فرد مهمی در این جناح نبود که به‌نوعی با سلام مرتبط نباشد. چه ستنی و چه مدرن. «عباس عبّدی» درباره سلام گفته است: «اهمیت انتشار سلام در شکستن حلقه بسته مطبوعات و به‌ویژه روزنامه‌هایی بود که بدون رقابت جدی تاخت‌وتاز می‌کردند. روزنامه سلام تجربه منحصربه‌فردی برای فعالان آن بود. ضوابط فعالیت نیز روشن بود و کمترین اختلاف در آن دیده می‌شد». به بهانه سالگرد توقیف این روزنامه، سراغ برخی «سلامی‌ها» ی سابق رفته و روایت اعضای تحریریه را از آن دوران و از زبان خودشان جویا شدیم.

سایه مرگ بر سر سلام



مهرنوش جعفری، دبیر سرویس خبر و بعد هم سیاسی: بنده از همان پیش‌شماره‌های اولیه سلام همکاری خودم را با روزنامه آغاز کردم. از طریق افرادی که سال‌ها با هم دوست و همکار و در مورد مسائل سیاسی روز دیدگاه‌های نزدیک به‌هم داشتیم که در آن روزها به جریان خط امام و نیروهای چپ شهرت داشت، از تصمیم آیت‌الله موسوی‌خوینی‌ها برای انتشار روزنامه‌ای که «سلام» نام گرفت، مطلع شدم و به‌این‌ترتیب این همکاری شروع شد. من پیش‌تر به دلیل اشتغال در خبرگزاری جمهوری اسلامی تجربه کار رسانه‌ای و خبری داشتم و در امور فرهنگی و سیاست خارجی نیز سابقه کاری داشتم. شرایط سیاسی پس از درگذشت مرحوم امام خمینی و به‌ویژه شرایط پس از انتخابات مجلس چهارم و خیرگان دوم برخی از نیروها را به سمت فعالیت‌هایی از این دست سوق می‌داد و من هم یکی از این افراد بودم.

سلام از این حیث که یک روزنامه و یک رسانه بود، از همان اول سعی داشت که به اصول کار حرفه‌ای پاینده باشد یعنی اقتصادنات آن را خوب بداند و ظرایف کار را فرابگیرد و در عمل درست به کار ببندد. آموزش حین کار افراد از همان اول اهمیت داشت. البته هر برخی نیروها چون عموماً با انگیزه مشخص و نزدیک به‌هم، کنار یکدیگر

سیاست



۱۸ سال از توقیف روزنامه سلام گذشت

خداحافظ «سلام»

گرد آمده بودند، بهتر و سریع‌تر توانستند به کار روزنامه‌نگاری احاطه نسبی پیدا کنند. هر زمان از تجربیات افراد باتجربه نیز استفاده می‌شد. نقش دوستانی مثل مهندس عبّدی بسیار ارزشمند بود و در این مسیر هزینه‌های سنگینی را متحمل شد.

سلام هدف مشخصی داشت که عمدتاً می‌توان بازناب آن را در کمک به ایجاد فضای نقادی و ایجاد جریان متکثر رسانه‌ای در جامعه ضمن دلبستگی به آرمان‌های اصیل فکری، اجتماعی ملهم از آموزه‌های دینی و اهداف سیاسی‌اش توصیف کرد. بنابراین سلام توانست خیلی زود مخاطبان خود را در بین اقشار به‌خصوص جامعه پیدا کند. از تفاوت‌ها یا بهتر بگویم ویژگی‌های سلام، شخصیت ممتاز مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز آن بود. آقای موسوی‌خوینی را تا پیش از سلام چندان نمی‌شناختم، منظوم شناخت از نزدیک است؛ اما فرصت همکاری با سلام موجب شد با ایشان از نزدیک آشنا و در واقع همکار شوم.

سلام با یادداشت‌ها و مقالات متنوع و نیز ارائه نوآوری‌هایی مثل ستون «الو سلام» که کار بدیعی محسوب می‌شد، ارتباط با خوانندگان را از همان اوایل کار به‌خوبی برقرار کرد. ارتباط دوسویه با مخاطب به ادامه حیات سلام کمک فراوانی کرد و شاید این خصوصیات را بتوان ویژگی ناب یک رسانه زنده به‌شمار آورد.
بله، سلام با همه مشکلات مالی و محیط بیرونی غیردوستانه و حتی ناآمنی‌ای که تجربه می‌کرد، یک روزنامه زنده و پویا و تأثیرگذار بود. از دیگر ابتکارات سلام توجه به مسائل حقوقی و تلاش برای تثبیت اصل قانون‌گرایی بود که باعث شکل‌گیری گفتمانی شد که امروز هم سایه آن بر برخی گفتمان‌های مصنوعی غلبه دارد و حتی آنان که نسبتی با قانون‌گرای ندارند، در سر بزرنگه‌هایی عَلم آن را گاهی بلند می‌کنند.

در کنار ویژگی‌های سلام، طول عمر سلام را هم باید ویژگی مهم دیگر آن دانست. در کشور ما عمر ۹ تا ۱۰ساله برای یک روزنامه «خصوصی» عمر بالایی محسوب می‌شود! البته دلیل تداوم عمر سلام و اینکه زودتر احتمال مرگ آن وجود داشت، ولی این‌همه دوام آورد، در این نکته هم نهفته بود که رفتار عقلاانه، متین و به‌دور از ماجراجویی داشت. روزهای توقیف من به دلیل مسئولیتی که در وزارت ارشاد داشتم، من در روزنامه نبودم؛ اما فقط می‌توانم بگویم تا پیش از آن چند بار در زمان فعالیت روزنامه، سایه مرگ بر سر سلام در رفت‌وآمد بود. بالاخره اجل آمد و شد آنچه نباید می‌شد. به نظرم هنوز هم جای خالی سلام را روزنامه‌ای نتوانسته بر کند. این به منزله کاستن از ارزش کار دیگران نیست؛ اما… شاید این فقط یک احساس باشد؛ اما بیشتر که فکر می‌کنم می‌بینم فراتر از یک حس نوستالژیک است؛ چون به‌نظرم حتی منتقدان و مخالفان سلام هم ضرر کردند و بیش از همه مردم ضرر کردند.

بهترین خاطره من از سلام یک دوره کامل سلام است؛ هدیه مدیرمسئول به بنده که تداعی‌کننده همه لحظاتم در همه عصرها و شب‌هایی است که در سلام به‌عنوان دبیر سرویس خبر و بعدا دبیر سرویس سیاسی کار و بهتر بگویم زندگی کردم.

فضای اولیه سلام، با امروز متفاوت است

کریم ارغنده‌پور، دبیر اجتماعی: من از پیش‌شماره سوم همکاری‌ام را با سلام آغاز کردم. ابتدا به سرویس سیاسی رفتم، بعد از چند ماه در سرویس اجتماعی مطلبی نوشته‌شده که با خط مشی روزنامه فاصله داشت. موسوی‌لاری، عباس عبّدی، محمد نعیمی‌پور و ابراهیم اصغرزاده تیم اولیه سردبیری بودند. اصغرزاده در همان مراحل اولیه انتشار روزنامه اختلاف پیدا کرد و همکاری‌اش را قطع کرد. نعیمی‌پور در واقع معاون اجرایی بود و کارش تا بازداشت اول عباس عبّدی در سال ۷۰ یا ۷۱ ادامه یافت. موسوی‌لاری کمتری در جزئیات ورود می‌کرد. این شد که کم‌کم عباس عبّدی برای مدتی در شورای سردبیری محوریت یافت. البته دبیران سرویس چهره‌هایی نبودند که فرمان بر باشند.

به‌این‌دلیل گاهی انتقاد می‌شد که با این دبیران، سلام به یک مجمع‌الجزایر متحلی تبدیل شده! آن زمان اینترنت نبود. سختی فکس هم تازه راه افتاده بود و خیلی ابتدایی بود. ما یک تلکس راه افتاده بود و خیلی ابتدایی بود. ما یک تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی داشتیم و یک تلکس آسوشیتدپرس. حروف چینی کامپیوتری تازه راه افتاده بود. فکر می‌کنم کیهان و اطلاعات هنوز با حروف سربی منتشر می‌شدند. ما در مرحله پیش همکاران حرفه‌ای نبودند. دست‌خط‌های‌شان کاملاً حرف چینی نداشتیم. با دفتری قراردادی بسته شده بود، برای حروف چینی. پیکي استفاده شده بود که همکاران حرفه‌ای نبودند. دست‌خط‌های‌شان کاملاً حرف چینی نداشتیم. با دفتری قراردادی بسته شده بود، برای حروف چینی. پیکي استفاده شده بود که با موتور مرتب مطالب را به آن دفتر می‌رساند و از آنجا مطالب حروف چینی‌شده را برمی‌گرداند. این هم خودش داستان جالبی بود؛ چون بیشتر همکاران حرفه‌ای نبودند. دست‌خط‌های‌شان کاملاً حرف چینی نبود و به‌همین‌خاطر مطالب حروف چینی‌شده با غلط‌های زیاد برمی‌گشت. همکاران غلط‌گیری می‌کردند؛ ولی درآن میان وسوسه می‌شدند جملاتی را حذف و مجدداً مطالبی اضافه کنند. این کار را با همان دستخط‌های سخت‌خوان انجام می‌دادند؛ در نتیجه رفت‌وبرگشت مطالب برای حروف چینی تمام‌ناشدنی به نظر می‌رسید و صفحه‌بندی را با تأخیر زیاد مواجه می‌کرد. صفحه‌بندها در شیفت صبح برای روزنامه کیهان کار می‌کردند و از این همه رفتار غیرحرفه‌ای گاهی به ستوه می‌آمدند. همکاران ما تأیپ بلد نبودند و تندنویسی هم یاد نگرفته بودند. خلاصه اوضاعی بود. فضای روزنامه اولیه کاملاً مردانه بود. همکاران زن خیلی معدود بودند. امروزه بیشتر همکاران خوب روزنامه خانم‌ها هستند. اگر فضای اولیه سلام را بازسازی کنیم، با آنچه امروز هست، تفاوت زیادی دارد.

ستون «الو سلام» در ابتدا با حالت آزمون‌وخطا به وجود آمد؛ ولی رفترقه به یکی از اصلی‌ترین بخش‌های روزنامه تبدیل شد. ایجاد «الو سلام» یکی از نوآوری‌های ماندگار روزنامه بود. کم‌کم همه روزنامه‌های دیگر از این ستون الگو گرفتند؛ ولی هیچ‌ک نتوانستند مشابه آن را بازسازی کنند.

اصلی‌ترین پیام‌ها آنها بود که خود مدیرمسئول یا در صورت لزوم سردبیری آنها را جواب می‌دادند.

این پیام‌ها و پاسخ‌های‌شان گاهی از یادداشت‌های اصلی روزنامه برخاطب‌تر و جذاب‌تر بود.

سلام در دوم خرداد هم نقش اصلی را در تبلیغ و حمایت رسانه‌ای از آقای خاتمی برعهده داشت. همچنین باید ضدتبلیغ‌های گسترده را خنثی می‌کرد. نقش اصلی سلام این بود که افلا شعارهای اصلی را بسط دهد و ثانیاً گفتمان اصلاح‌طلبانه

او را جا بیندازد. بین سلام و آقای خاتمی در آن زمان اندک فاصله‌ای نبود. سلام البته یک روزنامه محدود و بی‌امکانات بود؛ ولی انتظارات از آن در آن مقطع تاریخی فوق‌العاده بالا بود.

همه می‌توانستند در مقاله و یادداشت‌نویسی در روزنامه نقش داشته باشند؛ ولی فرمان اصلی در دست مدیریت روزنامه بود. در اینجا نمی‌توانم به نقش و جایگاه محسن میردامادی در دو سال آخر کار سلام اشاره کنم. میردامادی پس از اتمام

درشت‌وقتی از انگلستان برگشت، مستقیم به روزنامه آمد و مطالب سردبیری را برعهده گرفت.

با وجود این در حواریت اصلی و تعیین‌کننده معمولاً با آقای موسوی‌خوینی‌ها هم مشورت می‌شد.

سلام. تریبون یک طیف سیاسی
فیض‌الله عرب‌سرخی
دبیر تحریریه و اجرایی:
اجتماعی‌ها:
من درس روزنامه‌نگاری در دانشگاه خوانده و

قبلاً هم در معاونت مطبوعاتی کار کرده بودم. بنابراین در

فرصت جدید همکاری با روزنامه سلام، یک تجربه کاری روزنامه‌نگاری هم پیدا کردم و وقتی هم که کارش تشریه «عصر ما» شروع به کار کرد، تجربیات سلام در نشریه عصر ما هم به درد ما خورد.

الان تعداد روزنامه‌های اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب با همه محدودیت‌های موجود، قابل‌مقایسه با آن زمان نیست. آن زمان سلام تنها روزنامه‌ای بود که به جناح چپ تعلق داشت؛ برای همین کاملاً دیده می‌شد. به توسط نیروهای همراه و هم نیروهای مخالف. تعدادی تمام‌وقت بودند و تعدادی پاره‌وقت و بعداً‌ظهورها می‌آمدند. عباس عبّدی وقت بیشتری می‌گذاشت.

تعدادی هم روزنامه‌نگار تمام‌وقت و حرفه‌ای بودند. یادداشت‌ها یا حتی خبرهای سلام کاملاً با جهت‌گیری خاصی منتشر می‌شد. البته نه به این معنا که فقط اخبار یک طیف خاص منتشر شود،

بلکه به این معنا که روزنامه خط‌مشی مشخصی داشت و کاملاً متفاوت بود. تیپ یادداشت‌های سلام را تقریباً در هیچ روزنامه دیگری نمی‌شد دید. خبرها و گزارش‌هایش هم متفاوت بود. یادم هست ستون «الو سلام» یک ستون معمولی نبود؛بسیار مهم بود.

هیچ‌وقت برای پرکردن صفحه مطلبی منتشر نمی‌شد. برای سوزدها و موضوع‌ها از قبل فکر و تصمیم‌گیری می‌شد و با هدف معینی کار می‌شد. شرایط به شکلی بود که عده‌ای سیاسی وارد کار روزنامه‌نگاری شدند اما بعد از دوم خرداد تقریباً شرایط تغییر کرد و این ضرورت از بین رفت. یکی از دلایلش این بود که تعداد روزنامه‌ها و روزنامه‌نگارها زیاد شد و آن ضرورتی که قبلاً توسط نیروهای سیاسی در انتشار روزنامه دیده می‌شد، از بین رفت. تعداد زیادی روزنامه‌نگار جوان با گرایش‌های مختلف وارد این عرصه شدند و از سویی شکل‌گیری دولت اصلاحات نیاز به این داشت که آن نیروهای سیاسی وارد کار اجرایی شوند، آن هم درحالی‌که این نیروها قبلاً هم حوزه کاری‌شان سیاسی و اجرایی بود و وقتی که شاید حضور این افراد در تحریریه سلام باعث می‌شد سطح دسترسی و نگاه این افراد به اطلاعات با کسانی که صرفاً روزنامه‌نگاری را به‌عنوان یک شغل انتخاب کرده بودند، متفاوت باشد. روزنامه سلام در کنار اینکه یک روزنامه بود، تریبون یک طیف سیاسی هم بود. بنابراین کارکردن امثال آقای موسوی‌لاری یا عبّدی یا میردامادی در روزنامه کاملاً متفاوت از کارکردن یک روزنامه‌نگار صرف در تحریریه بود و برای همین سطح دسترسی‌ها به اطلاعات متفاوت بود.

تفاوتی که نیروهای روزنامه سلام با نیروهای دیگر روزنامه‌ها داشتند، این بود که این‌ها کار را کاملاً با اعتقاد سیاسی انجام می‌دادند. مسئله اصلی‌شان دست‌مزه‌ها نبود. پرداخت‌های مالی در سلام مثل باقی روزنامه‌ها که وضع خوبی داشتند نبود اما کسانی که زندگی‌شان از طریق روزنامه تأمین می‌شد، به آن اندازه دریافت می‌کردند که بتوانند از این راه گذران زندگی کنند. روزنامه تک‌فروشی نبود. آگهی می‌گرفت و بالاخره نیروهایی که سرمایه‌گذاری کرده بودند، هرچا لازم بود از روزنامه پشتیبانی می‌کردند.

اولین انتخابات تحریریه، در سلام بود

نقی آقاآل دبیر سرویس خبر:
من از پیش‌شماره ۱۴ یا ۱۳ سلام به آن پیوستم. من قبلاً در روزنامه اطلاعات کار کرده بودم و بعد هم که جذب روزنامه سلام شدم، همکاری‌ام را از سرویس علمی پژوهشی با دبیری دکتر حسینی، برادر وزیر ارشاد سابق (دولت احمدی‌نژاد) آغاز کردم و در سرویس‌های دیگر هم کار کردم تا آنکه دست‌آخر دبیر سرویس خبر شدم.

سلام در زمان خودش یک پدیده بود. خیلی چیزها در سلام سیاسی کسی آگاه نشد. اولین انتخابات تحریریه در سلام و بعد در روزنامه همشهری انجام شد. خروجی آن انتخابات این بود که احمد زب‌آبادی منتخب تحریریه شد. سلام از سرویس‌های مختلف تشکیل می‌شد. در مقطعی شورای سردبیری تصمیم گرفت همه خبرنگاران را در یک سرویس به نام خبر متمرکز کند که هماهنگی بیشتر شود. حدود ۱۴ خبرنگار با حوزه‌های کاری مختلف در سرویس خبر جمع شدند. چهار نفر هم حوزه نداشتند و وظیفه‌شان تنظیم خبر بود. در این شکل، بقیه گروه‌ها به جز گروه ورزشی که خبرنگار خودش را داشت و خبر حوزه‌اش را خودش تهیه می‌کرد، خبرنگاری که بیرون به درون سلام نگاه می‌کنند، با یک مجموعه بسیار منسجم مثل حزب طرف هستند درحالی‌که سلام هم درون خودش از چند طیف تشکیل شده بود. روزنامه سلام تصویری بود از آنچه درون جامعه می‌گذشت و این تفاوت‌ها در جواب می‌داد. انعکاس داشت. عده‌ای کمی تندروتر و عده‌ای میانه‌رو و عده‌ای محافظه‌کارتر بودند. یک گروه تمام‌وقت از هشت صبح تا پنج عصر در روزنامه بودند و به‌ویژه دیرها گاهی تا ۱۰ شب روزنامه می‌ماندند. یک عده هم نیمه‌وقت بودند که عمدتاً بعداً‌ظهورها می‌آمدند.

روزنامه سلام نیروهای کیفی خوبی داشت. یادداشت‌هایش، به‌ویژه یادداشت‌های آقای عبّدی تأثیرگذار بود. مثل سایر روزنامه‌ها نبود که بی‌تفاوت از روی مسائل بگذرد. دوره خاصی بود که نام سخنگوی اوزسرویس به سلام داده بودند. همه متفق‌اند که الو سلام، ویژگی منحصربه‌فرد روزنامه بود. مهم‌ترین نکته آن هم این بود که همه اعضای تحریریه در پاسخ‌دادن به سوآلات مردم مشارکت داشتند. آقای گلایی مسئول پیاده‌کردن سوآل‌های مردم از روی نوار بود. بعد از تنظیم آنها را به مدیرمسئول می‌داد و او هم براساس موضوع‌ها، سوآل‌ها را به دبیران ارجاع می‌داد. دبیران یا خودشان جواب می‌دادند یا خبرنگار جواب می‌داد. بعد جواب‌ها از سوی دبیر به سردبیر و مدیرمسئول داده می‌شد. اما اکثر مسائل مهم در الو سلام که جنبه استراتژیک داشت، از سوی حاج آقا‌خوینی‌ها یا سعید حجاریان و عباس عبّدی پاسخ داده می‌شد. شب توقیف من در سلام نبود. مراد ویسی مسئول شیفت شب بود.

آینه دیروز

۹ سال پیش درچین روزی

انتخاب

- رهبر معظم انقلاب در دیدار مداحان: سعی استکبار جهانی متلاشی‌کردن «فکر توحیدی و ولایی» است
- آیت‌الله مصباح‌یزدی: بیشترین فساد اخلاقی متوجه دانشگاه‌هاست
- با ورود بنزین از مرزهای جنوبی به داخل خاک ایران، قاچاق بنزین وارونه شد
- اعتراض آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به تخریب دولت‌های گذشته
- سوء‌قصد ناکام به جان پرویز مشرف
- وزیر اقتصاد خواستار لزوم اتکای دولت به مالیات شد
- نفت در آستانه ۷۵ دلار؛ تورریست‌ها شاخص‌های جهانی طلای سیاه را صعودی کردند

ایران

- رهبر معظم انقلاب: شعر مداحان باید ایمان مخاطب را تعمیق بخشد
- رئیس‌جمهور: زنان اینثارگر امروز فخر بشریتند
- ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نامه در سفرهای اساتانی رئیس‌جمهور جمع‌آوری شد
- علی‌اکبر جوفانفر: سفرهای اساتانی برای شکستن حصار بین مردم و دولت انجام می‌شود
- نماینده ایران در آژانس اتمی: مذاکرات هسته‌ای ۲۰ تیر سرنوشته‌ساز است
- وزیر کشور: توزیع سهام عدالت تحولی بزرگ در مشارکت مردم برای توسعه است
- رئیس‌جمع تشخص مصلحت نظام: ولایت فقیه، جوهر امامت در زمان غیبت است

کیم

- رهبر انقلاب در دیدار ذاکرین اهل بیت(ع): رسالت مداحان تقویت ایمان مخاطبان است
- وزیر راه خبر داد: جاده‌سازی در سال ۸۵، ۲ برابر ۵ سال گذشته
- حسین شریعتمداری: غرب سیاست «بهت و شوک» را جایگزین «فوج و چماق» کرده است
- سفارت ایران در بیروت: ۴ دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان زنده هستند
- زاهدی: وزارت علوم از حذف کمیته اجرایی کنکور استقبال می‌کند
- وزیر کشور: طی ۲ سال، بیش از ۴میلیون نفر سود سهام خود را گرفته‌اند

ادامه از صفحه اول

خبرهای پسافیش

رسانه‌ها اعم از مکتوب و مجازی عرصه و فضایی است که به اندازه غرض و توان هر یک از طرف‌های رقابت فراهم و باز است. مخالفان از ابزار رسانه به‌درستی بهره گرفته‌اند و مدافعان جز موارد معدود متغعلانه عمل کرده‌اند. یکی از بهترین و سریع‌ترین واکنش‌ها به افشای فیش‌ها را وزیر اطلاعات نشان داد و از معدود اظهارنظرهای مؤثر رسانه‌ای را نیز دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد انجام داد. سیستم اصلی اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای دولت این‌بار هم عمل نکرد. دریافت این نکته برای دولت فرصت مغتمی است تا با اقدام به‌موقع برای درمان سیستم رسانه‌ای بیمار خود، به ترمیم جایگاه خود نزد افکار عمومی بپردازد.
۲- شفافیت در عرصه حکومت‌داری اتفاق مبارکی است. اینکه مشابه تقریباً همه‌جای دنیا میزان دریافت مدیران و مسئولان شفاف و مشخص باشد؛ ستودنی و ارزشمند است. البته بهتر بود خود دولت، پیش‌قدم می‌شد؛ اما حالا هم در نیست. فرصت هنوز باقی است و تدبیر هم که موجود است. در فضایی که این افشاکاری‌های مثبت را در کشور به وجود آورد و استقبال همه مقامات و مسئولان را از آن در پی داشت، می‌شود عقلاانه و به‌دور از نگاه جناحی سراغ شفاف‌سازی‌های بیشتر رفت. این شفاف‌سازی‌ها مشابه آنچه در دولت اصلاحات اتفاق افتاد، امیدواری به اصلاح امور را بیشتر می‌کند.

۳- واکنش مردم و فعالان سیاسی و اصحاب رسانه با گرایش‌های مختلف نشان داد هنوز تورم و بی‌کاری واقعیت جامعه امروز ایران است. شاید اگر وضعیت معیشت و اقتصاد خانواده‌ها بهتر از این بود، کسی به استقبال استعفاها یا برکناری‌ها نمی‌رفت.. اتفاق خوب آنجاست‌که امیدواری وجود دارد در دوره «سپافیش»‌ها، دولت و نظام چارهای برای موضوع اصلی پیدا نکنند. بعید می‌دانم اگر رشد و شکوفایی نسبی در اقتصاد اتفاق بیفتد، کسی مدعی حقوق مدیرانی بشود که باعث این رشد شده‌اند یا برکناری و استعفا ی آنان خوشحال شود.

نکته آخر، در کنار این اتفاقات نمی‌توان و نباید تقدیر از مسئولان و مدیران پاکدست و موفقی را که میاه امیدواری مردم هستند، فراموش کرد. در زمانه افشای تخلفات مسئولان، فرصتی هم برای افشای درستکاری مدیران و فاش‌کردن نام کسانی که برای اعتلا و سربلندی ایران بی‌اِدا و سالم تلاش می‌کنند، بگذاریم. ای کاش رسانه‌های پیش‌قدم در افشای فیش‌ها و تخلفات، در این رقابت نیز پیشگام شوند، این هم می‌شود خیر دیگری برای کشور. ان‌شاءالله.